

Legal-judicial challenges against police officers in respecting the citizenship rights of the accused

Mohammad Ghafourian Asl¹, Reza Zangeneh Inanloo², Saadi azaizi³

Received: 2022/06/16

Accepted: 2023/02/03

Abstract

Background and purpose: Basically, non-observance of citizenship rights, the observance of the citizenship rights of the accused by the police, in addition to legal consequences, results in social consequences, which the legislator has foreseen to guarantee criminal executions for those who do not comply with these laws, therefore, in this research, The above topic has been discussed in the specialized police of Fars Police Command, the purpose of which is to identify these challenges and provide solutions to solve or reduce these challenges.

Method: The present research is applied in terms of purpose and qualitative in terms of method. A total of 18 law enforcement experts, experts and law enforcement officers, judicial officials and university professors participated in the research and were selected using the purposeful sampling method. The data were collected using the in-depth interview method and were analyzed and analyzed with the grounded theory method and according to the three stages of coding.

Findings: In general, 13 sub-categories were created in the process of data analysis, and from the combination of these sub-categories, 4 main categories include legislative-organizational challenges, the need to implement judicial orders without regard to the requirements of the organization, ignoring the status of specific defendants. and the high expectation without the support of the prisons organization was extracted and finally the core category (selective code) of this research was determined legal-judicial challenges related to the observance of the citizenship rights of the accused.

Conclusion: The results showed that the importance of solving these challenges is so great that if they are not solved, it will certainly lead to prejudice against the police, the occurrence of service and judicial problems for the employees, and the weakening and violation of the citizenship rights of the accused.

Keywords: Civil rights, police officers, challenges, accused, law

Citation (APA): Ghafourian Asl, Mohammad. Zangeneh Inanloo, Reza. Azaizi, Saadi (1401) Legal-judicial challenges against police officers in respecting the citizenship rights of the accused *Quarterly of Supervision and Inspection*, 16(62), 165-192
DOI: 10.22034/si.2022.99507

1. Master of Criminal Law and Criminology, Maybod Unit, Islamic Azad University, Yazd, Iran
2. PhD student in criminal law and criminology, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran
3. Doctoral student of crime prevention, Amin University of Police Sciences, Iran

چالش‌های قانونی - قضایی کارکنان پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهمین

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

محمد غفوریان اصل^۱، رضا زنگنه اینانلو^۲، سعدی عزیزی^۳

چکیده

زمینه و هدف: اساساً رعایت نکردن حقوق شهروندی متهمین از سوی پلیس علاوه بر تبعات قانونی، آثار و عواقب اجتماعی در پی دارد که قانون‌گذار ضمانت‌های اجرایی - کیفری برای افرادی که این قوانین را رعایت نمی‌نمایند پیش‌بینی نموده، از این‌رو در این پژوهش به موضوع فوق در پلیس‌های تخصصی فرماندهی انتظامی یکی از استان‌ها پرداخته شده که هدف از آن شناسایی این چالش‌ها و ارائه راهکار به‌منظور رفع و یا کاهش این چالش‌ها می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه، کیفی است. تعداد ۱۸ نفر از خبرگان، کارشناسان و عوامل انتظامی، مقامات قضایی و اساتید دانشگاهی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از روش مصاحبه عمیق، جمع‌آوری و با روش نظریه زمینه‌ای و با توجه به مراحل سه‌گانه کدگذاری، تجزیه و تحلیل گردیدند.

یافته‌ها: به‌طور کلی در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها، تعداد ۱۳ خرده مقوله خلق شد که از ترکیب این خرده مقوله‌ها، ۴ مقوله اصلی شامل چالش‌های تقنینی - سازمانی، لزوم اجرای دستورات قضایی بدون توجه به مقتضیات سازمان، نادیده گرفتن وضعیت متهمین خاص و توقع بالا بدون پشتیبانی سازمان زندان‌ها استخراج و در نهایت مقوله هسته (کد‌گزینشی) این پژوهش، چالش‌های قانونی - قضایی مرتبط با رعایت حقوق شهروندی متهمین تعیین شد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصله نشان داد که اهمیت رفع این چالش‌ها به حدی است که در صورت مرتفع نشدن آنها، مسلماً منجر به ایجاد جو بدبینی نسبت به پلیس، بروز مشکلات خدمتی و قضایی برای کارکنان و تضعیف حقوق شهروندی متهمین خواهد شد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، مأموران پلیس، چالش‌ها، متهمین، قانون

استناد (APA): غفوریان اصل، محمد، زنگنه اینانلو، رضا، عزیزی، سعدی (۱۴۰۱). چالش‌های قانونی - قضایی کارکنان پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهمین
فصلنامه علمی نظارت و بازرسی، ۱۶ (۶۲)، ۱۶۵-۱۶۴

DOI: 10.22034/si.2022.99507

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی mgha50614@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی rz33903390@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری پیشگیری از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین، ایران sadiazi77@gmail.com

نیروهای پلیس همواره و در ابتدا باید حافظ امنیت و پشتیبان منزلت و شرافت ذاتی و فطری انسان‌ها با رویکرد جامعه‌محوری و پیشگیری- اجتماعی و خدماتی- مشارکتی از جرایم و هزینه‌های آن بوده و لازم است تا وظایف خود را در چارچوب قانون و در تعامل با سایر قوا به شکل مطلوب اعم از بازدارندگی، واکنشی، آموزشی و مددکاری انجام دهند. توجه به اصل قانون محوری، اصل برائت و اصل تساوی در برابر قانون در تمامی مأموریت‌های پلیس باید سرلوحه کار قرار گیرد. در این فرایند پلیس به‌عنوان یک سازمان مؤثر و مقدم بر فرایند نظام عدالت کیفری برای پایه‌گذاری حقوق شهروندی، نیازمند قوانین شفاف و صریح و ضمانت اجراهای کافی است تا بتواند عملاً طرح داعیه نقض حقوق بشری را از سوی برخی منتقدان صالح یا معاندان به‌هنگام رویارویی منافع جامعه و حفظ نظم عمومی با منافع افراد را سلب کند. در این رهگذر هرگونه اقدام خودسرانه و یا خلاف با وجدان جمعی از سوی پلیس، اگرچه لباس قانونی هم داشته باشد در واقع نقض آشکار حقوق شهروندی و خلاف اخلاق و رفتار حسنه محسوب خواهد شد. رویکرد قوانین ما غالباً با اصول کلی و عام حقوق بشری و اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی سازگار است؛ اما چالش‌هایی هم در این رابطه به‌واسطه عدم رعایت موازین قانونی، خلأ، ابهام و اجمال و نظارت کافی و... بر اجرای آن وجود دارد (اخوان، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲).

پلیس به‌عنوان متولی ایجاد نظم و امنیت آحاد مردم، نقش کلیدی در برقراری آرامش شهروندان برعهده دارد که در این اثنا نباید از وظیفه خطیر و سنگین مأموران به‌عنوان ضابط در اجرای عدالت کیفری و بالخصوص حقوق شهروندی در حوزه متهمین غافل شد وظیفه‌ای که قانون‌گذار در قانون آ.د. کیفری ۱۳۹۲ برای ضابطان مأموران ضابط پیش‌بینی نموده است. عدم توجه به وظایف محوله در این مرحله و نیز وجود چالش‌هایی در اجرای قانون، علاوه بر بروز خسارت‌های مادی و معنوی به طرفین پرونده، نظم و امنیت عمومی را نیز خدشه‌دار می‌کند، هر چند برای ایجاد قانون هماهنگ با حقوق بین‌المللی تلاش‌های زیادی گردیده اما بازهم چالش‌ها و موانعی بر سر اجرای صحیح قانون نزد ضابطان وجود دارد که مانع از اجرای قانون و یا اجرای ناقص آن می‌شود. مشکلات مربوط به اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای ضابطان، ممکن است تبعات گوناگون شغلی و قضایی داشته باشد. از سوی دیگر، اجرای ناقص این قانون، موجبات رفتارهای سلیقه‌ای، تبعیض آمیز، متروک شدن قانون و بی‌اعتباری دستگاه قانون‌گذاری کشور را فراهم می‌آورد (سنگانه، ۱۳۹۵، ص ۳).

قانون‌گذار با افزودن تعداد زیادی مواد قانونی در بخش ضابطان دادگستری، وظایف مهمی را در بخش رعایت حقوق متهمان، بزه دیدگان پیش‌بینی کرده؛ لیکن اجرای صحیح و کامل این قوانین، از چند جهت از جمله نادیده‌گرفتن ساختار پلیس، تفاوت‌های فرهنگی در مناطق

مختلف کشور و ضابطان، سیستم مدیریتی ناهمگون و عدم پیش‌بینی زیرساخت‌های لازم برای ضابطان، در عمل با مسائل و مشکلاتی مواجه است و نظر به اینکه از جمله مسائل اساسی و چالشی در ارتباط با رعایت حقوق شهروندی متهمین، وجود موانع و چالش‌های تقنینی و قضایی است؛ ضرورت دارد تا این چالش‌ها که غالباً موجب بروز مشکلات مختلف قضایی، خدمتی و حتی خانوادگی برای کارکنان انتظامی می‌گردد، مورد بازشناسی قرار گرفته و راهکاری برای حل آن‌ها ارائه گردد. بنابراین هدف اصلی از این پژوهش پاسخگویی به این سؤال اساسی است که مهم‌ترین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با چالش‌های قانونی - قضایی رعایت حقوق شهروندی متهمین در پلیس‌های تخصصی فرماندهی انتظامی استان فارس چگونه و شامل چه مواردی است.

سوالات پژوهش

۱. شرایط و زمینه‌های مرتبط با چالش‌های قانونی - قضایی رعایت حقوق شهروندی متهمین در پلیس‌های تخصصی فرماندهی انتظامی استان فارس اعم از شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای کدام‌اند؟
۲. پیامدها، کنش‌ها و تعاملات مرتبط با چالش‌های قانونی - قضایی رعایت حقوق شهروندی متهمین در پلیس‌های تخصصی فرماندهی انتظامی استان فارس کدام‌اند؟
۳. مهم‌ترین راهکارهای مرتبط با چالش‌های قانونی - قضایی رعایت حقوق شهروندی متهمین در پلیس‌های تخصصی فرماندهی انتظامی استان فارس مشتمل بر چه مواردی استوار است؟

پیشینه پژوهش

چگینی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تلاقی اختیارات پلیس و حقوق شهروندی در تحقیقات مقدماتی» به این نتیجه دست یافتند که پلیس به‌عنوان ضابط عام دادگستری، به‌منظور برقراری امنیت و برخورد با اخلاق‌گراان نظم و امنیت در جامعه، نیازمند اختیارات خاصی از جمله انجام تحقیقات مقدماتی است که گاهی همین اختیارات، به نقض حقوق شهروندی و تقابل با آن منجر می‌شود.

اژدري و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان «بایدها و نبایدهای رفتار پلیس در حفظ و ارتقای حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه دست یافتند که در وجه ایجابی، تلاش برای آموزش کارکنان پلیس برای مواجهه صحیح و سازنده با شهروندان، برقراری روابط اجتماعی گسترده با اقشار مختلف اجتماعی، تشویق مردم به رفتار قانونمند و همچنین آموزش قوانین و مقررات شهروندی مورد توجه است. در بُعد سلبی نیز، ممانعت از ایجاد و برقراری تبعیض، جلوگیری از ایجاد نارسایی‌های امنیتی به‌عنوان شاکله جامعه، دفاع از

حقوق آسیب‌دیدگان اجتماعی و نفی روابط شهروندی نابرابر از جمله مواردی است که می‌تواند جایگاه پلیس را در حفظ و ارتقای حقوق شهروندی بهبود بخشد.

اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «چالش‌های رعایت حقوق شهروندی متهم در تفتیش و بازرسی اماکن» به این نتیجه دست یافتند که در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ایران، قواعد و تشریفات برای بازرسی انتظامی از اشخاص اختصاص داده شده است که این مقررات ناقص، مبهم و دارای اشکال هستند. قانون‌گذاری در امور کیفری ایجاب می‌کند که در وهله نخست مفاهیم به‌صراحت و روشنی تعریف شده تا محدوده و قلمرو آن‌ها مشخص شود.

شهریاری و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «ابهامات و موانع قانونی حقوق شهروندی» به این نتیجه دست یافتند که دستگاه‌های مختلف به حقوق شهروندی بی‌اعتنایی می‌کنند و در پاره‌ای از موارد نیز این حقوق به شکل‌های مختلف نقض می‌شوند.

بونر، مایکل (۲۰۲۰)^۱ در پژوهشی تحت عنوان «جبران حقوق شهروندی در اثر خشونت از سوی پلیس» به این نتیجه دست یافتند که خشونت پلیس به تجارب نابرابر شهروندی کمک می‌کند و خشونت پلیس به بهترین وجه قابل درک است و در رقابت‌های عمومی بر سر مفهوم و عملکرد تابعیت قرار دارد.

گونزالز، یانیلدا (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «پلیس و ساخت شهروندی دموکراتیک در آمریکای لاتین» به این نتیجه دست یافتند که پلیس از انحصار دولت در استفاده قانونی از زور استفاده می‌کند، و روابط روزمره شهروندان با پلیس، نابرابری‌های اجتماعی موجود را در امتداد نژاد، طبقه و جغرافیا تولید می‌کند و در نتیجه شهروندی طبقه‌بندی می‌شود.

دبلیو نیروود، پیت (۲۰۱۷)^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «متعادل‌سازی امنیت عمومی و حقوق شهروندی در پلیس شهری» به این نتیجه دست یافتند که رویکرد علمی برای تفکر و قضاوت در مورد تعادل درست بین پلیس فعال و اعتماد جامعه امری ضروری است تا بدین‌وسیله بین دو مقوله نسبتاً متعارض یعنی رعایت مؤلفه‌های حقوق شهروندی و امنیتی عمومی جامعه تعادل برقرار نمود.

استون آر (۲۰۰۶)^۳ در کتابی تحت عنوان «حقوق شهروندی و حقوق بشر برای پلیس در ارتباط با چالش‌های حقوق شهروندی فراروی نیروهای انتظامی» بیان داشته که برای رعایت

1. Bonner,Michelle
2. Neyroud,Peter
3. Stone,R

حقوق متهم تضمین‌هایی در مراحل مختلف دادرسی و تحقیقات باید مورد توجه پلیس قرار گیرد؛ با این حال همواره چالش‌ها و مشکلاتی در این زمینه متصور است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اساساً تحقیق خاصی با عنوان «بررسی چالش‌های قانونی - قضایی مرتبط با رعایت حقوق شهروندی متهمین (مطالعه موردی استان فارس)» انجام نشده است؛ با این حال برخی تحقیقات مشابه و مرتبط در این حوزه وجود دارد که در برخی از آنها به صورت کلی به حقوق شهروندی اشاراتی صورت گرفته است. تفاوت آشکار این تحقیقات با پژوهش فعلی این است که به چالش‌های قانونی - قضایی مرتبط با رعایت حقوق شهروندی متهم برگرفته از قانون و مصاحبه واقعی با کارکنان انتظامی و خبرگان پرداخته نشده است؛ از این‌رو موضوع این مقاله تازه و بدیع است.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم‌شناسی

در هر تحقیق علمی لازم است تا نخست، مهم‌ترین واژگان و اصطلاحات علمی پژوهش مورد تبیین و تشریح قرار گیرد تا منظور نویسنده از به‌کاربردن این مفاهیم مشخص و روشن گردد؛ از این‌رو در تحقیق حاضر، ابتدا به بیان مفاهیم و تعاریف خواهیم پرداخت.

۱- حقوق شهروندی

نویسندگان، اندیشمندان و سیاست‌مداران، تعبیر حقوق شهروندی را در معانی مختلفی به‌کاربرده‌اند. بر همین اساس شاید بتوان این عبارت را مشترک لفظی دانست؛ چنان‌که برخی از این معانی با یکدیگر هم‌پوشانی دارد و تعدادی از مصادیق را دربر می‌گیرد و برخی دیگر هیچ‌گونه مصداق مشترکی ندارد و دو حوزه جدا و منفک را شامل می‌شود. اما دو مفهوم بیش از مفاهیم دیگر درباره این واژه به‌کار رفته است. در مفهوم نخست حقوق شهروندی^۱ دقیقاً ترجمه واژه و عنصر ذاتی آن، یعنی تابعیت است و در بستر ملی معنا می‌یابد و عمدتاً شامل حقوقی مانند حق تعیین سرنوشت، مشارکت در اداره کشور و ... می‌شود. نگارنده از این مفهوم با عنوان حقوق شهروندی در معنای مضیق یاد می‌کند؛ اما در مفهوم دیگر حقوق شهروندی عمومیت دارد و شهروند در این تعبیر مترادف انسان بما هو انسان، اما در دنیای متمدن است و تمامی حقوقی را که هر انسان در عصر کنونی داراست را شامل می‌شود. در مفهوم مضیق، شهروندی به حقوقی ناظر است که شهروندان به‌منظور اداره مملکت خویش دارا هستند و این حقوق در مواجهه شهروند با دولت معنا می‌یابد؛ لذا علی‌القاعده مطالعه و بررسی این حقوق در حوزه علوم سیاسی و حقوق عمومی قرار می‌گیرد و مشارکت سیاسی عنصر جدانشدنی این مفهوم خواهد

بود. گواه این ادعا تعاریفی ست که در کتاب‌های پایه علوم سیاسی از «شهروندی» ارائه شده است؛ چنان که در دائره‌المعارف دموکراسی، ذیل واژه شهروندی آمده است: مفهوم شهروندی را، که در سده نوزدهم رواج یافت، باید مجموعه‌ای از حقوق و وظایف بدانیم که رابطه دولت‌های ملی و یکایک شهروندان شان را معین و مشخص می‌کند؛ همچنین مفهوم شهروندی در دانشنامه سیاسی نیز این‌گونه تعریف شده: مفهوم شهروندی همراه با فردیت و حقوق فرد در اروپا پدید آمده است و اساساً کسی شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمان‌گذار دولت نباشد؛ بلکه از «حقوق فطری» و «طبیعی» نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آنها حمایت کند. از نظر گیدنز، فرد و جامعه در تقابل با هم قرار نمی‌گیرند؛ بلکه فرد از طریق، اعمال حقوق و تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را بازتولید می‌کند (به نقل از مطهرپور و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۸۵).

۲- متهم

متهم کسی است که فاعل جرم تلقی شده؛ ولی هنوز انتساب جرم به او محرز نشده است و این عنوان در مقابل مجرم استعمال می‌شود. به رغم آن که قانون‌گذار بارها درباره متهم سخن گفته؛ ولی تعریفی از این اصطلاح نکرده است. برای رفع این نقیصه می‌توان گفت، کسی که در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته است، متهم نامیده می‌شود. در دادرسی‌های جزایی، متهم طرف اصلی و مهم دادرسی‌ها است. در حقیقت، تمامی تشریفات، مقررات و نگرانی‌ها در دادرسی‌های کیفری به خاطر انسانی است که به حق یا ناحق در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته و ممکن است حیثیت، آبرو، آزادی، اموال، تمامیت جسمانی و حتی حیات خود را از دست بدهد. باید امکانات کافی در اختیار او باشد تا بتواند از خود دفاع کند و در صورت بی‌گناه بودن، از مجازات‌رهایی باید (آخوندی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱-۱۱۲).

۳- ضابطان دادگستری

از نظر لغوی ضابطان جمع «ضابط» اسم عربی و به معنای فراهم‌آورنده، نگاهدارنده، نگاهدارنده چیزی، آن که ضبط مدینه و سیاست آن را از طرف سلطان بس باشد (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳۳۸) در ترمینولوژی حقوق ضابطان عدلیه (پلیس قضایی) چنین تعریف شده‌اند: مأموران تفتیش و کشف جرایم و اقدامات راجع به جلوگیری از فرار و اختفا که عبارت‌اند از دادستان و دادیاران او، بازپرس، کلانتران شهرداری، صاحب‌منصبان، ژاندارمری (جعفری نگرودی، محمد جعفر، ۱۳۲، ص ۴).

ضابطان دادگستری، بازوی اجرایی دادسرا و دادگاه در وظایف شان هستند. قانون، تکالیف زیادی برعهده ضابطان دادگستری قرار داده است که از نخستین لحظه‌های پس از وقوع جرم تا واپسین دقیق اجرای مجازات را در بر می‌گیرد و شامل کشف جرم، گزارش وقوع آن به دادسرا،

جلوگیری از محو دلایل و آثار جرم، جلوگیری از فرار متهم، اجرای دستور مقامات قضایی در تحقیق و بازجویی و ابلاغ اوراق قضایی می‌شود. ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) ۱۷۲ که جایگزین ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸) شده است، در مقام تعریف از ضابط اشعار می‌دارد: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و نشانه‌ها و جمع‌آوری دلایل وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند. ضابطان دادگستری در وظایف خود، اختیاراتی دارند که به دلیل ارتباط نزدیک با متهمان و مجرمان می‌توانند موجبات تضییع حقوق شهروندی آنان را فراهم آورند (بیگی، جمال، ۱۳۹۹، ص ۶۸).

مبانی نظری

مهم‌ترین مبانی نظری مرتبط با پژوهش حاضر، «نظریه کنش ارتباطی»، «نظریه پارسونز» و «نظریه تیلی» است که به شرح ذیل توضیح داده خواهد شد.

۱- نظریه کنش ارتباطی

یورگن هابرماس در نظریه کنش ارتباطی به مفهوم اخلاق‌گفتمانی از طریق مفاهمه و ارتباط در جامعه مدنی اشاره می‌نماید و معتقد به تأمین حقوق شهروندی در جامعه مدنی است بر همین مبنا وی مشارکت و حضور در عرصه عمومی را معرف اصلی شهروندی می‌داند. بنابراین هابرماس بر ضرورت وجود عرصه عمومی تأکید دارد و معتقد است که وجود مکانی آزاد برای گفتمان یا به عبارتی عرصه عمومی و همچنین عضویت در تشکل‌ها بر افزایش میزان آگاهی شهروندی مؤثر است (هابرماس ۱۹۹۴).^۱

۲- نظریه پارسونز

پارسونز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیزه‌شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسند و دیگران نیز این حقوق را محترم بشمارند. به‌زعم وی، گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید و نگاهی خاص‌گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده و درکی از مفهوم حقوق شهروندی ندارند. (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

تیلی از جمله نظریه‌پردازان جدید در غرب است که به بررسی حقوق شهروندی از منظری جدید می‌پردازد. وی معتقد است، شهروندی به سطحی و عمیق تقسیم می‌گردد؛ شهروندی سطحی به این معنی است که تعاملات، حقوق و تعهدات اندکی را دربر داشته باشد و شهروندی عمیق که بخش‌های قابل توجهی از همه تعاملات، حقوق و تعهداتی باشد که به‌وسیله کارگزاران دولت و مردم تحت قلمروش حمایت می‌شوند (فالکس ۱۳۸۱، ص ۲۱).^۱

۴- نظریه تی. اچ. مارشال

معروف‌ترین نظریه شهروندی از سوی وی مطرح شده است. در نظریه مارشال^۲، سه عنصر مدنی، ساسی و اجتماعی با همدیگر مرتبط هستند. او سه دسته حقوق شهروندی را از یکدیگر متمایز می‌کند که با گذشت زمان توسعه یافته‌اند: حقوق و در مقابل؛ تعهدات سازمانی (مثل حق رأی) حقوق آزادی مدنی (که از جانب دادگاه‌ها محافظت می‌شوند) و حقوق مشارکت و تأمین عدالت اجتماعی (که در مرکز توجه دولت رفاه قرار دارد) (ملکی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۵).

۵- نظریه حقوق شهروندی فرهنگی ترنر و ریدن

جامعه‌شناس برجسته انگلیسی، بریان ترنر^۳ و همکارش جنیفر ریدن^۴، در بخشی از کار خود سنت نظری لیبرال را مورد نقد قرار داده‌اند. این دو معتقدند که مدل مارشال بر اساس شکل خاصی از شهروندی طراحی شده است که ریشه در بطن ملیت‌گرایی اروپای قرن ۱۹ دارد. (ترنر و ریدن: ۲۰۰۱، ص ۵۹).

۶- نظریه حقوق شهروندی - اجتماعی هیتر

هیتر^۵ معتقد است همکاری مشترک بین گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر و صاحب امتیاز، در تلاشی دوجانبه به جهت تحقق عدالت اجتماعی بیشتر، خصیصه شهروندی اجتماعی وظیفه شناسانه است. به‌زعم وی، شهروندی ذاتاً زمینه اجتماعی دارد که برای بارور شدن آن، از طریق آموزش شهروندی باید شهروندان جوان را به دانش، نگرش و مهارت‌هایی مجهز کنیم تا آنها بتوانند در رفاه جامعه یا دولتی که عضوی از آن به‌شمار می‌آیند مشارکت کنند در شهروندی اجتماعی فرد باید در مقابل مشکلات ناشی از رقابت برای منافع کمیاب ایمن شود و ضمن تلاش برای کسب منافع شخصی، نسبت به ارائه قضاوت عادلانه و گرفتن تصمیم مناسب نیز مسئول باشد. همان قدر که شهروند اجتماعی به مسائل اجتماعی و اقتصادی نگاهی فنی و سودجویانه دارد، نگاه اخلاقی را هم باید لحاظ کند. در واقع در اینجا افراد هم اهداکننده هستند

1 . faulks
2 . T.H . Marshal
3 . Turner
4 . J . Ridden
5 . Heater

و هم دریافت‌کننده. شیوه‌های کمک به افراد بی‌بضاعت در جامعه و شیوه‌های مطالبه منافع رفاهی، باید به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند (ملکی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

الگوی مفهومی پژوهش

بر مبنای مبانی نظری و روش تحقیق بیان شده پارادایم و مدل محقق ساخته را به شرح زیر می‌توان ترسیم نمود.

ترتیب ذیل حاکی از آن است که با بهره‌گیری از ۴ دسته چالش‌های تقنینی - سازمانی، لزوم اجرای دستورات قضایی بدون توجه به مقتضیات سازمان، نادیده گرفتن وضعیت متهمین خاص و توقع بالا بدون پشتیبانی سازمان زندان‌ها می‌توان به هدف که همان شناسایی چالش‌های قانونی - قضایی فراروی مأموران در رعایت حقوق شهروندی متهمین است نائل شد.



روش پژوهش

این پژوهش یک پژوهش کیفی و از نظر هدف، کاربردی است و از رویکرد اشتراوس و کوربین برای دستیابی به دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در مورد چالش‌های قانونی - قضایی رعایت حقوق شهروندی متهمین به انجام رسیده است. با توجه به اینکه تحقیق حاضر به دنبال شناسایی این چالش‌ها در پلیس‌های تخصصی فرماندهی انتظامی استان فارس بود، ۱۸ نفر از

خبرگان و مطلعین با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند تا زمان رسیدن به اشباع نظری مورد استفاده قرار گرفتند و سعی گردیده افرادی وارد نمونه شوند که قادر به ارائه اطلاعات مورد نظر محقق در زمینه چالش‌های قانونی- قضایی رعایت حقوق شهروندی متهمین در محدوده مورد مطالعه هستند. برای جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است که برای جمع‌آوری اطلاعات بخش نظری از روش توصیفی کتابخانه‌ای و به‌منظور تدوین، پخش و جمع‌آوری نتایج مصاحبه نیمه ساختاریافته تحقیق در بخش کیفی، از روش میدانی استفاده شده است. در بخش کیفی با بهره‌گیری از مصاحبه عمیق و پرسش‌نامه نیمه ساختار یافته و مصاحبه عمیق با جامعه مورد نظر، نسبت به احصای چالش‌های قانونی- قضایی فراروی مأموران در رعایت حقوق شهروندی متهمین اقدام گردید. مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته با طرح پرسش‌هایی بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه انجام شد. هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل آنها نیز انجام گرفت؛ به این صورت که داده‌های خام طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تحلیل گردید و حول مقوله مرکزی تشکیل شد.

یافته‌های توصیفی

جدول ۱- مشخصات مجموعه افراد شرکت‌کننده در مصاحبه

ردیف	مشارکت‌کننده	تعداد	درصد
۱	خبرگان انتظامی	۷	۳۸/۸
۲	کارشناسان و متصدیان اقدام انتظامی	۸	۴۴/۴
۳	مقامات قضایی و اساتید دانشگاهی	۳	۱۶/۶
	جمع کل	۱۸	۱۰۰

برابر جدول بالا، بیشتر مصاحبه‌شوندگان از بین کارشناسان و متصدیان اقدام انتظامی به میزان ۴۴/۴٪ که از نزدیک با چالش‌ها مواجه و آنها را عیناً لمس نموده‌اند، انتخاب شد تا اطلاعات واقعی و جدید به‌دست آید.

جدول ۲- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

جنسیت		تحصیلات					رده سنی		
مرد	زن	دیپلم و زیردیپلم	کاردانی و کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتر	تا ۲۵	۲۵-۳۵	۳۵-۴۵	۴۵ به بالا
۱۷	۱	۴	۹	۴	۱	۳	۶	۵	۴
۹۴/۴	۵/۶	۲۲/۲	۵۰	۲۲/۲	۵/۶	۱۶/۶	۳۳/۳	۲۷/۷	۲۲/۲

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود ۱۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان مرد و یک نفر زن بوده‌اند. در بحث تحصیلات ۴ نفر دیپلم و زیر دیپلم، ۹ نفر دارای مدرک کاردانی و کارشناسی،

۴ نفر کارشناسی ارشد و یک نفر دارای مدرک دکترا بوده‌اند. همچنین از بین ۱۸ نفر مشارکت‌کننده در تحقیق، ۳ نفر در رده سنی تا ۲۵ سال، ۶ نفر بین ۲۶ تا ۳۵ سال، ۵ نفر ۳۶ تا ۴۵ سال و ۴ نفر نیز ۴۵ سال به بالا داشته‌اند.

محور سؤالات مطروحه پیرامون چالش‌های مرتبط با رعایت حقوق شهروندی در پلیس‌های تخصصی فرماندهی انتظامی استان فارس بود، به این صورت که مصاحبه عموماً در محل کار اشخاص صورت می‌پذیرفت و به خصوص در ارتباط با متصدیان بازداشتگاه و تحت نظرگاه و مأموران بدرقه ضمن بازدید میدانی از وضعیت محل خدمت و مشاهده عینی موارد اعلامی با نامبردگان وارد گفتگو و مصاحبه عمیق‌شده و محورهای اصلی سؤالات مطرح می‌گردید.

یافته‌های پژوهش

بخش عمده رویکرد زمینه‌محور در حوزه تجزیه و تحلیل داده‌هاست. این داده‌ها از زوایه دید پاسخگویان تحلیل و معنی‌دار می‌شوند. ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در گراند تئوری بر مبنای سه شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. منظور از کدگذاری، عملیاتی است که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. (فلیک، ۱۹۹۸، ص ۵۷)^۱ کدگذاری باز اولین مرحله از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در روش گراند تئوری است. این مرحله به این دلیل باز نامیده می‌شود که محقق با ذهنی باز و بدون هیچ محدودیتی در تعداد کدها و مقوله‌ها اقدام به استخراج کدها و ساخت مقوله‌ها می‌کند. (گولدینگ، ۲۰۰۲)^۲ و می‌توان گفت که کدگذاری باز شامل خرد کردن، مقایسه، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی داده‌هاست (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). کدگذاری محوری نیز آغاز کردن فرآیند از نو کنار هم گذاشتن داده‌هایی است که در جریان کدگذاری باز، آنها را خرد کرده‌ایم. در کدگذاری محوری، مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی متصل می‌شوند تا توضیحات دقیق‌تر و کامل‌تری از پدیده‌ها شکل بگیرد. در این مرحله محقق با ترکیب و انتزاع مفاهیم به دست آمده، تعداد ۱۳ خرده‌مقوله و از ترکیب این خرده‌مقوله‌ها، ۴ مقوله اصلی شامل «چالش‌های تقنینی - سازمانی»، «لزوم اجرای دستورات قضایی بدون توجه به مقتضیات سازمان»، «نادیده گرفتن وضعیت متهمین خاص» و «توقع بالا بدون پشتیبانی سازمان زندان‌ها» استخراج گردید.

مرحله سوم تحلیل و تفسیر داده‌ها در رویکرد زمینه‌محور، کدگذاری گزینشی است. کدگذاری گزینشی روندی است که طی آن طبقه‌ها به طبقه مرکزی مرتبط می‌شوند و نظریه را شکل می‌دهند. در کدگذاری گزینشی، محقق توجه خود را به این امر معطوف می‌سازد که کدام مقوله بیش از همه در داده‌ها تکرار شده و می‌تواند سایر مقولات را به یکدیگر ارتباط دهد.

1. Flick
2. Goulding

در این مرحله محقق با ترکیب و انتزاع ۴ مقوله اصلی به دست آمده از کدگذاری محوری، مقوله هسته با عنوان «چالش‌های قانونی- قضایی فراروی مأموران در رعایت حقوق شهروندی متهمین» را استخراج کرده است.

جدول ۳- مفاهیم، کدگذاری باز و کدمحوری

کد گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز(مفاهیم)
چالش‌های قانونی و قضایی	چالش‌های تقنینی- سازمانی	- وضع قانون بدون پیش‌بینی زیرساخت - حقوق شهروندی متهم محور - پیچیدگی‌های قانونی
	لزوم اجرای دستورات قضایی بدون توجه به مقتضیات سازمان	- اجرای بی‌درنگ - طولانی بودن مدت نگهداری از متهمین - ذهنیت منفی مقامات قضایی - پی‌درپی بودن دستورات نقل مکان متهمین
	نادیده گرفتن وضعیت متهمین خاص	- کم توجهی دستگاه قضا به حالت روحی متهمین - ضعف در فراهم سازی داروهای ضروری متهمین - ضعف در اعزام پزشک به بازداشتگاه‌ها
	توقع بالا بدون پشتیبانی سازمان زندان‌ها	- حکم برگماری بدون آثار حمایتی بعدی - مشخص نبودن سهم سازمان زندان‌ها در بازداشتگاه‌های پلیس - توقعات مطلق بدون مکانیسم تأمینی

تشریح مقولات و عبارت مرتبط با کد استخراجی چالش‌های قانونی و قضایی

در این قسمت برای تبیین دقیق‌تر فرایند، ضمن توضیح کدهای باز مرتبط با کد گزینشی چالش‌های قانونی و قضایی به ذکر شواهدی از گفته‌های شرکت‌کنندگان می‌پردازیم.

«چالش‌های قانونی و قضایی» از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی است که مأمورین انتظامی در ارتباط با موازین حقوق شهروندی با آن روبه‌رو هستند. از آنجا که ضابطان قضایی اساساً تحت نظارت و تعلیمات دادستان و در واقع به‌عنوان ضابط قوه قضائیه فعالیت می‌نمایند، مواجهه با این چالش مأموران را در شرایط سختی قرار می‌دهد چرا که امکان تغییر شرایط و حل چالش در اختیار مأمور و حتی سازمان متبوع وی (پلیس) نیست. در این پژوهش نیز «چالش‌های تقنینی-سازمانی»، «لزوم اجرای دستورات قضایی بدون توجه به مقتضیات سازمان»، «نادیده گرفتن وضعیت متهمین خاص» و «توقع بالا بدون پشتیبانی سازمان زندان‌ها» از جمله مهم‌ترین کدهای محوری مرتبط با این کد محوری بود که در ادامه به تشریح و ذکر نمونه عبارات بیان‌شده در مصاحبه‌های مربوطه خواهیم پرداخت.

۱- چالش‌های تقنینی - سازمانی

در ارتباط با چالش‌های فراروی مأموران در حوزه رعایت حقوق شهروندی، از جمله مهم‌ترین چالش‌های مورد تأکید در مصاحبه‌های انجام‌شده «چالش‌های تقنینی - سازمانی» بیان گردید. از آنجا که اساساً مأموران پلیس مجری قانون هستند، مواجهه با قوانین مبهم، غیرشفاف و مشکل‌ساز، آنان را با چالشی عمیق روبه‌رو می‌سازد. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان که از مدیران لایه یک فرماندهی انتظامی استان فارس (سازمان) است، عنوان داشته: «اولاً در قانون ابعاد و مفهوم حقوق شهروندی به درستی تبیین نشده، ثانیاً این قانون متهم‌محور بوده و اصلاً به حقوق مأمور توجه نکرده است. به هر حال پلیس هم یک شهروند است؛ چرا به حقوق حداقلی مأمور به‌عنوان یک شهروند توجه نشده است؟! (مصاحبه‌شونده شماره ۱۶)».

مصاحبه‌شونده دیگری در این باره اظهار می‌دارد: «حقوق شهروندی متهم‌محور است و حقوق سایر افراد دخیل در پرونده همانند شاکی و مأموران در آن به‌خوبی دیده نشده و وکلای متهمین به استناد همین قانون به راحتی هرچه تمام‌تر موکلان خود را به ناحق تبرئه و پلیس را به زحمت می‌اندازند (مصاحبه‌شونده شماره ۱۳)».

یکی از اساتید دانشگاهی مشارکت‌کننده در تحقیق نیز بر این موضوع تأکید داشته و در پاسخ به سؤال پیرامون چالش‌های تقنینی حقوق شهروندی اظهار نموده: «قانون حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ اساساً در زمان تصویب بیشتر از آن‌که تحت تاثیر مسائل حقوقی و امنیتی باشد، تحت تاثیر مسائل سیاسی بوده و صرف‌نظر از سرعت تصویب آن، عموماً حقوق‌دانان نیز بر چالش‌ها و تناقضات آن ایرادات بسیاری می‌گیرند (مصاحبه‌شونده شماره ۱۵)».

با تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۵ توسط قانون‌گذار، متهمان از حمایت‌های ویژه‌ای بهره‌مند شدند و در عمل، تعریف شهروند به متهم محدود شد، غافل از اینکه شهروندان اعم از متهمین، شاکی، شهود و دیگر افراد جامعه هستند و این سؤال همواره وجود داشت که چه امتیازاتی برای سایر شهروندان طرفین پرونده در نظر گرفته شده؛ در حالی که عده کمی از افراد جامعه مرتکب جرم و در مظان اتهام قرار می‌گیرند. به هر حال در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تعداد محدودی نوآوری و سازوکار در راستای رعایت حقوق بزه‌دیده در زمره تکالیف ضابطان پیش‌بینی نموده است که با توجه به شرایط و وضعیت‌های موجود، در عمل با چالش‌هایی مواجه است؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به تبصره ۲ ماده ۶۶ اشاره نمود که اشعار می‌دارد: «ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفاند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه آگاه سازند». این تبصره نیز بیانگر یکی دیگر از حقوق بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی است که مقنن ضابطان را مکلف به آگاه‌نمودن بزه‌دیدگان نموده است که البته فاقد ضمانت

اجراست. این در حالی است که آگاهی ضابطان از وجود و سازوکارهای سازمان‌های مردم‌نهاد ضعیف بوده و افسران نگهبان و مسئولین پرونده در یگان‌های انتظامی تعاملی با این‌گونه سازمان‌ها در عمل نداشته و بعضاً دستگاه‌های اطلاعاتی نیروی انتظامی از جمله سازمان اطلاعات و حوزه فعالیت آنان دسترسی دارند و در عمل، راهنمایی افسر پرونده یا مأمور تشکیل پرونده در این خصوص اجرای این بند از قانون میسر نخواهد بود.

یکی از مأمورین مراقب تحت نظرگاه طی مصاحبه اظهار داشت: «متهمین دائماً درخواست تماس تلفنی با خانواده خود را دارند که تلفن کارتی نیز در اینجا موجود نیست و نمی‌توانیم درخواست آنان را اجابت کنیم (مصاحبه‌شونده شماره ۷)» و یا یکی دیگر از کارکنان اظهار داشت: «ما اینجا تلفن کارتی نداریم و به همین دلیل متهمان برای تماس با خانواده‌های خود با مشکل مواجه می‌شوند (مصاحبه‌شونده شماره ۱)».

در این خصوص ماده ۴۹ و ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری به ترتیب اشعار می‌دارد: به محض آن‌که متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک‌ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادرسای محل اعلام می‌شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است. شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفاند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.

برابر ماده ۴۹ و ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر پیش‌بینی سازوکار ثبت و درج مشخصات متهم، شرایط تماس با بستگان و آگاهی به آنان نیز پیش‌بینی شده است. این ماده در راستای تضمین حقوق متهم تحت نظر و خانواده اوست. پیش‌بینی چنین حقی برای متهمان از دستاوردهای نوین قانون حاضر و متأثر از بند ۵ ماده واحده قانون حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲/۲/۱۵ به‌شمار می‌رود. افرادی که برابر این ماده، باید از تحت نظر بودن متهم از سوی مراجع قضایی و انتظامی اطلاع یابند، والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر شخص تحت نظر

بوده و تشخیص چنین نسبتی، جز حضوری و با ارائه اوراق هویتی امکان‌پذیر نیست و در عمل، این اطلاع از سوی مراجع، حضوری و با ارائه اوراق هویت محقق می‌شود که این موضوع، با هدف اطلاع‌رسانی سریع، منافات دارد. البته با توجه به بند ۵ قانون حقوق شهروندی و ماده ۵۰ این قانون، لازم بود آشنایان نیز مشمول این اطلاع‌رسانی می‌شدند. در این ماده پاسخگویی به افراد مذکور را تا حدی که به حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، تجویز نموده که تشخیص منافی بودن اعلام تحت نظری افراد با حیثیت اجتماعی و خانوادگی ایشان، یک معیار شخصی است که موجبات اقدام سلیقه‌ای فراهم می‌نماید. چه بسا اعلام اتهام منافی عفت متهم به بستگان و خانواده، اثرات جرم‌زایی داشته و یا منجر به مشکلات دیگری از جمله طلاق شود. با توجه به پیش‌بینی امکان تماس متهم تحت نظر با خانواده در ماده ۵۰ و عدم درخواست وی در تماس و اطلاع به خانواده، پیش‌بینی این ماده، ناقض حقوق شهروندی متهم و حفظ حیثیت وی هست. انتشار اطلاعات محرمانه، نبود ضمانت اجرا و رفتارهای بی‌ضابطه و سلیقه‌ای ضابطان، از چالش‌های دیگر این تماس خواهد بود. این ماده، مستلزم پیش‌بینی آیین‌نامه‌ای جهت برآورد زمان و نحوه محاسبه هزینه تماس متهم با خانواده، نحوه نظارت بر آن و عدم افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده یگان انتظامی است.

مصادیق تعارضات و ابهامات قانونی در ارتباط با مقررات حقوق شهروندی بسیار است؛ اما به‌عنوان یکی از بارزترین چالش‌ها در این زمینه می‌توان به بند ۱۵/۱/۹ دستورالعمل حقوق شهروندی اشاره نمود. برابر بند ۱۵/۱/۹ دستورالعمل مذکور بیان شده که هنگام دستگیری زنان حتی‌المقدور از مأمورین زن آموزش‌دیده و مجرب استفاده شود و در صورت عدم وجود مأمور زن با رعایت مسائل شرعی اقدام گردد. این در حالی است که سازمان با کمبود نیروی زن برای عملیات‌های دستگیری مواجه است و اگر مأمور زن در کار نبود و مأموریت غیرمترقبه‌ای پیش آمد و فوریت دستگیری ایجاد شد در آن شرایط چاره چیست؟ و اینکه در بخش پایانی جمله ذکر شده در صورت عدم وجود مأمور زن با رعایت مسائل شرعی اقدام گردد. منظور از مسائل شرعی چیست و چگونه می‌توان زنی که از هر چیز نابهنجار و غیرمعارفی ابایی ندارد را دستگیر نمود. مصاحبه‌شونده دیگری می‌گفت: «حقوق شهروندی متهم‌محور است و حقوق سایر افراد دخیل در پرونده همانند شاکی و مأمورین در آن دیده نشده و وکلای متهمین به استناد همین قانون به راحتی هرچه تمام‌تر، موکلان خود را به ناحق تبرئه و پلیس را به زحمت می‌اندازند. ملاقات وکیل با متهم به محض دستگیری کار اعتراف و اقرار و پی‌بردن به جزئیات ماجرا را سخت کرده است و با این ملاقات عمده جرائم کشف نمی‌شود و متهم پس از رهایی از بازداشت، تمامی مدارک باقی‌مانده از موضوع اتهام را امحا و کار دسترسی پلیس را سخت می‌نماید و به محض آزادی، سایر همدستان و رفقای خود را از جزئیات موضوع مطلع و آنها را

نیز متواری می‌سازد و در این مرحله هم کار دستگیری ناقص می‌ماند. در پرونده‌هایی که به‌عنوان کشف ناقص در سیستم آگاهی ثبت می‌شود، علت عمده آن اطلاع سایر هم‌دستان متهم از تحت تعقیب بودن توسط پلیس و نوع اتهام و مجازات آنها با استفاده از این ماده قانونی است و استمرار این حرکت باعث جری شدن متهم و ادامه روند مجرمانه به‌صورت تصاعدی و از جرائم خرد به جرائم سنگین می‌باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۱۳).

همان‌گونه که مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ بیان داشته و به کرات این موضوع از سوی سایر مدیران و کارکنان مورد ایراد واقع شده و اغلب آنان از تصویب این ماده قانونی گلایه‌مند و آن را منافی کشف جرم می‌دانند؛ هرچند این حق، یعنی حق مطلع شدن خانواده و گرفتن وکیل از حقوق بنیادین متهمان به‌شمار می‌رود که رعایت آن در تمامی کشورها از سوی پلیس امری پذیرفته شده است؛ ماده ۴۸ و ۱۹۷ ق.آ.د. کیفری مصوب سال ۹۲ اشعار می‌دارد که: با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک‌ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. همچنین متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود که به نظر تا حدود زیادی حق با کارکنان نیروی انتظامی است؛ چراکه متهمان یاد گرفته‌اند تا قبل از حضور وکیل هیچ حرفی نزنند و به قول خودشان حق سکوت دارند و استناد آنها هم برابر ماده ۱۹۷ ق.آ.د. کیفری سال ۱۳۹۲ است. هرچند استناد آنها به این قانون درست است؛ اما باید توجه داشت رعایت حق سکوت متهمان در پاره‌ای از موارد ضابطان را با چالش‌های اساسی مواجه می‌کند؛ زیرا در برخی موارد فقط با اقرار صریح متهم می‌توان به حقیقت دست پیدا کرد و تقریباً هیچ روش علمی را نمی‌توان جایگزین آن کرد؛ مثل کشف محل اختفای جسد مقتول و یا اموال و مدارک مسروقه؛ از این‌رو، اولین دلیل مخالفت با مفاده ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این است که اکثر مجرمان بالأخص حرفه‌ای‌ها، از مفاد این ماده سوء استفاده می‌کنند، مخصوصاً زمانی که ضابطان با جرایم سنگین، سازمان‌یافته یا فراملی روبه‌رو هستند، نمی‌توانند به نحو مؤثر وارد عمل شوند؛ زیرا مرتکبان چنین جرائمی از حق خود سوءاستفاده کرده و به جرایم ارتكابی اعتراف نمی‌کنند؛ بنابراین، پذیرش حق سکوت، موجب فرار مجرمان از محاکمه و مجازات خواهد شد؛ از این‌رو پلیس مجبور می‌شود بار دیگر به دنبال کشف دلایل ارتکاب جرم به وسیله متهم باشد و این چرخه معیوب، موجب تحمیل هزینه‌های مالی گزاف بر نظام عدالت کیفری شود. تا زمانی که اطلاعات مربوط به کشف جرم از مجاری دیگری در اختیار ضابطان قرار نگیرد، رعایت حق سکوت متهم، موجب

بلا تکلیف ماندن پرونده‌ها و ایجاد وقفه و انسداد در فرایند دادرسی کیفری خواهد شد. از طرفی، متهمان حرفه‌ای و سابقه‌دار با وجود داشتن شاکیان متعدد، با توسل به موضوع حق سکوت، مأموران بازجو را به سادگی سردرگم کرده و از دست آنها می‌گریزند و سبب تأخیرهای چندین‌ساله در به نتیجه رسیدن پرونده‌ها می‌شوند. مهم‌ترین دلیل مخالفان پذیرش حق سکوت برای متهم، آن است که این حق، به متهم امکان می‌دهد اطلاعاتش را در زمان مناسب به ضابطان دادگستری ارائه ندهد و به این سبب ضابطان نمی‌توانند با جرم ارتكابی، به نحو مؤثر مبارزه کنند؛ زیرا اگر فرد متهم، ملزم باشد همدستان خود و زمان و نحوه ارتكاب جرم و دیگر اطلاعات راجع به جرم ارتكابی را، در بازجویی‌ها در اختیار ضابطان دادگستری قرار دهد، بی‌تردید آنان سریع‌تر و مؤثرتر عمل می‌کنند. در گفتمان پلیسی و قضایی حاکم بر فرایند انجام تحقیقات مقدماتی، رعایت تشریفات دادرسی عادلانه مانند تشریفات رعایت حق سکوت، فرایند کشف جرم و اثبات دلایل اتهامی را مختل خواهد ساخت. از این منظر آسیبی که از ناحیه بی‌مجازات ماندن مجرمان به اعتبار نظام قضایی وارد می‌شود، کمتر از نادیده‌گرفتن حقوق دفاعی متهم نیست.

ترتیبات حضور وکیل در کلانتری‌ها نیز با مشکلاتی مواجه است. زمان حضور وکیل در یگان انتظامی، به محض تحت نظر قرار گرفتن متهم است و لذا از زمان ورود به تحت نظرگاه همان‌طور که در ماده ۴۷ اشاره شده، نیست و حتی به جهت حقوق متهم و لزوم دیدار قبل از بازجویی و ارائه توضیحات در پرونده، از زمان ورود به یگان انتظامی متصور است. در کشور ما، وکیل با قرارداد وکالت، می‌تواند با مراجعه به یگان‌های انتظامی و قضایی و... در امور مربوط به پرونده مربوطه ورود کند و انتخاب وکیل مورد نظر این ماده، قبل از تحت نظر قرار گرفتن متهم، بایستی انجام شود و به عبارتی، شخص باید همواره وکیل شخصی داشته تا در زمان توجه اتهام و دستگیری، از وی دفاع و با او ملاقات داشته باشد. با این شرایط، نوعی بی‌عدالتی بین فقرا و اغنیا از حیث برخورداری از خدمات قضایی در جامعه حاکم خواهد شد. به این ترتیب، افراد با توانایی و قدرت اقتصادی محدود، امکان در اختیار داشتن وکیل دائمی ندارند و افراد دارای قدرت و توان اقتصادی زیاد و یقه سفیدهایی که جرائم کلان از سوی ایشان صورت می‌گیرد، از این امتیاز برخوردار خواهند شد. البته این استدلال صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا چنانچه منظور مقنن داشتن وکیل قبل از دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن بود، از عبارت «وکیل شخصی» یا «وکیل خود» استفاده می‌نمود. اگر این استدلال پذیرفته شود، باز هم این مشکل به جهت عدم اجازه و امکان دیدار وکیل جهت عقد وکالت با متهم، بعد از دستگیری در یگان انتظامی، پابرجاست.

مصاحبه‌شونده دیگری اظهار داشت: «برای بازجویی و تحقیق از متهمان زن به دلیل کمبود نیروی زن، گاهی این کار توسط کارکنان مرد و در فضای عمومی و باز انجام می‌شود (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲)».

برابر ماده ۴۲ ق.آ.د. کیفری سال ۹۲ بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ، در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش‌دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود. این ماده از نوآوری‌های قانون جدید است؛ اما دو عبارت «در صورت امکان» و «موازین شرعی» در این ماده مبهم است؛ زیرا از طرفی برای تخلف از این ماده در ماده ۶۳ ضمانت اجرای انتظامی پیش‌بینی شده است و از طرفی هم این بازجویی مقید به «در صورت امکان بودن» شده است که قطعاً علت آن، کمبود مأمور زن در نیروی انتظامی بوده است. همچنین قید موازین شرعی نیز دارای ابهام است.

ابهامی دیگری که مفاد این ماده دارد این است که بازجویی و تحقیق از زنان و افراد نابالغ توسط مأمور زن باید انجام شود و حتی در ماده ۳۱ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ به‌منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار گرفته؛ ولی این ماده، با تبصره ۱ و ۲ ماده ۲۸۵ در تعارض است. برابر تبصره ۱ ماده ۲۸۵، تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال، به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به‌عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است، انجام می‌دهد؛ همچنین، تبصره ۲، در جرائم مشهود، اجازه تحقیقات مقدماتی از مرتکبان اطفال و نوجوانان را به ضابطان دادگستری نداده است. در ادامه، قانون‌گذار، تخلف از ماده ۴۲ را نیز با مجازات مقرر در ماده ۶۳ جرمه کرده است. از این‌رو بین ماده ۴۲ و تبصره‌های ماده ۲۸۵، تعارض وجود دارد.

۲- لزوم اجرای دستورات قضایی بدون توجه به مقتضیات سازمان

در ارتباط با «لزوم اجرای دستورات قضایی بدون توجه به مقتضیات سازمان» مفاهیمی همچون: فوریت دستورات قضایی، دستورات مبنی بر نگهداری طولانی‌مدت، ذهنیت نامطلوب مقامات قضایی نسبت به مأموران، دستورات مکرر برای جابه‌جایی فیزیکی متهم در بین عبارات مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید قرار گرفته است. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان می‌دارد: «در اکثر مواقع خارج از وقت اداری، ما نیاز به دستور قاضی داریم؛ لذا ناچاریم که تماس بگیریم؛ زیرا امکان اخذ دستور کتبی هم وجود ندارد و این دستور شفاهی هم باید ظرف ۲۴ ساعت تأیید شود که بعضی مواقع امکان تأیید نیست و از نگاه بنده بازه زمانی ۲۴ ساعت که برای این امر در نظر گرفته شده کافی نیست؛ زیرا تعدد مأموریت‌ها باعث می‌شود که ما نتوانیم همه آنها را در موعد مقرر انجام دهیم (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰)».

برابر ماده ۳۴ ق.ا.د.ک مصوب سال ۹۲ دستورهای مقام قضایی به ضابطان دادگستری به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می‌شود. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات معموله در صورت مجلس، در اسرع وقت و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت آن را به امضای مقام قضایی برساند. بنابراین دستورات شفاهی، صرفاً بایستی توسط مقام قضایی صادرکننده امضا شود؛ اگرچه بعد از انقضای مدت ۲۴ ساعت باشد؛ لذا در صورت مواجه شدن با ایام تعطیل، امضای صورت جلسات دستور شفاهی که بیش از ۲۴ ساعت طول می‌کشد، نمی‌تواند توسط مقام قضایی کشیک صورت گیرد؛ زیرا حائز فوریت نبوده و تطبیق دستور و اقدامات ضابطان، از سوی آنان محرز نیست. از سوی دیگر برخی پرونده‌ها از جمله جرائم منافی عفت، اطفال و نوجوانان و نیز تعزیرات ۷ و ۸ برابر آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به طور مستقیم در دادگاه‌ها مطرح می‌شوند و دادسرا صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را ندارد؛ بنابراین در صورت وقوع مشهود این جرائم و یا اقدام ضابطان در این راستا، مقامات کشیک دادسرا فاقد صلاحیت بوده و عدم پیش‌بینی قاضی کشیک دادگاه در این زمینه، چالش برانگیز خواهد بود. هرچند در برخی موارد دادستان‌ها به جهت ارتباط موضوع با مصالح و نظم عمومی دستوراتی صادر می‌کنند؛ اما صدور دستور از سوی دادستان در این موارد به لحاظ قانونی صحیح نیست.

«ما تابع دستورات قضایی هستیم؛ ولی شما فکر کنید به من ساعت ۲ بعد از ظهر اعلام می‌کنند که قاضی دستور داده متهم زن را همین امروز از زندان تحویل بگیرم و با مأمور به استان دیگری منتقل کنم. به نظر شما مأمور بدرقه چه کار می‌تواند بکند؟ (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱)».

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها که خود از مسئولین تحت نظرگاه یکی از پلیس‌های تخصصی است، بیان می‌دارد «صرفاً صدور حکم مسئول بازداشتگاه برای ما چه مزیتی دارد؟ آیا حقوق و مزایای ما با کارکنان زندان که جمعی قوه قضاییه هستند و کار ما هم به مراتب سخت‌تر از آنهاست، یکسان است؟ (مصاحبه‌شونده شماره ۷)» و یا دیگر مأمور مسئول در تحت نظرگاه اظهار داشت: «متهمان بین ۱۰ تا ۱۵ روز در بازداشتگاه نگهداری می‌شوند. (مصاحبه‌شونده شماره ۱)» یا به همان ترتیب که در بررسی متن یکی از مصاحبه‌ها در همین فصل نیز بیان شد مصاحبه‌شونده‌ای همچون کارکنان دیگر بر این مسئله تأکید می‌کند که: «ذهنیت بعضی از مقامات قضایی نسبت به ما ذهنیت مثبتی نیست.»

۳- نادیده گرفتن وضعیت متهمین خاص

«نادیده گرفتن وضعیت متهمین خاص»، عامل دیگری است که در بین عوامل برون‌سازمانی قابل دسته‌بندی است در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۶ بیان می‌دارد: «پزشک متخصص روح و

روان یا همان روان‌شناس نداریم در صورتی که حضور چنین افرادی برای بازداشتگاه ضروری است. مأموران قبل از اینکه مراقب بازداشتگاه باشند باید روان‌شناس و رفتارشناس خوبی باشند که در این زمینه مشکل وجود دارد (مصاحبه‌شونده شماره ۶)». مصاحبه‌شونده دیگری در این خصوص اظهار می‌دارد: «با وجودی که قانون آیین دادرسی کیفری اشعار می‌دارد حضور مددکار اجتماعی ضروری است و دادن گزارش‌های روان‌پزشکی از وضعیت متهمین در جرایم مهم را هم به عهده مراجع قضایی گذاشته و با وجود اینکه در مرحله تحقیقات مقدماتی بیشترین احتمال خودزنی و وضعیت نابسامان روحی متهمین وجود دارد؛ اما در عمل مقامات قضایی هیچ اقدامی در این خصوص انجام نمی‌دهند (مصاحبه‌شونده شماره ۱۴)».

در این باره ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد، حاوی مطالب زیر است:

الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم.

ب- گزارش پزشکی و روان‌پزشکی.

بررسی‌هایی که ما انجام دادیم و اظهاراتی که مصاحبه‌شونده‌ها داشتند حاکی از آن است که تا به حال هیچ‌یک از مددکاران اجتماعی مد نظر مقام قضایی در این ماده از بازداشتگاه پلیس آگاهی، پلیس مبارزه با مواد مخدر و پلیس اطلاعات و امنیت عمومی که معمولاً متهمان مرتکب جرائم با مجازات مندرج در ماده فوق روانه این بازداشتگاه‌ها می‌شوند حضور پیدا نکرده‌اند و به نظر استقرار واحد مددکار اجتماعی در سازمان زندان‌ها مختص زندانیان است؛ در حالی که متهمان در همان ابتدای امر برای ادامه تحقیقات به این بازداشتگاه‌ها منتقل می‌شوند و چند روز، حتی چندماه و در چند نوبت تا به سرانجام رسیدن پرونده‌ها در این بازداشتگاه‌ها می‌مانند؛ لذا ضرورت دارد به جهت وضعیت روحی و روانی آنان، مددکاران اجتماعی دستور اعزام پزشک و روان‌پزشک را صادر و از این متهمان بازدید به عمل آورده و نتیجه به مددکار اجتماعی و متعاقباً به بازپرس اعلام گردد و تنها به حضور صرف سرباز وظیفه به‌عنوان پزشک سازمان آن هم نه روان‌شناسی که تجربه و تخصصی در این موضوع ندارند بسنده نشود؛ ضمن اینکه این ماده مختص متهمان با مجازات‌های مندرج در آن است؛ در حالی که اکثر متهمان مشکلات روحی و روانی دارند و حضور روان‌شناس مجرب برای ملاقات با متهمان، امری الزامی است و اگر این موضوع در قانون گنجانده شود یا تفاهم‌نامه‌ای در این راستا با سازمان زندان‌ها

منعقد گردد تا امکان اعزام روان‌شناس به بازداشتگاه‌ها فراهم گردد، به‌طور حتم مشکلات زیادی برطرف خواهد شد.

از یکی از مسئولین بازداشتگاه پلیس‌های تخصصی پرسیده شد مهم‌ترین نیازهای دارویی و پزشکی متهمین چیست؟ متهمین سرقت، عمدتاً متادون مصرف می‌کنند و چون در بازداشتگاه آن قرص‌ها در دسترس متهمین نیست، پرخاشگری و بی‌قراری می‌کنند و حتی اقدام به فحاشی و توهین می‌نمایند. (مصاحبه‌شونده شماره ۴) «در همین ارتباط مسئول بازداشتگاه پلیس آگاهی نیز اظهار داشت: «بیشترین مشکل ما موضوع متادون متهمین معتاد است که مدام درخواست متادون دارند و ما فقط با تجویز پزشک آن‌هم در صورت ضرورت و به ناچار و به‌ندرت به آنها قرص می‌دهیم، در صورتی که در بازداشتگاه پلیس مبارزه با مواد مخدر، از دانشگاه علوم پزشکی می‌آیند و شربت متادون به متهمین مواد مخدر می‌دهند. (مصاحبه‌شونده شماره ۸)».

۴- توقع بالا بدون پشتیبانی سازمان زندان‌ها

عامل دیگر در این دسته‌بندی «عدم پشتیبانی مالی، فنی و آمادی از سوی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی» است که کارکنان بازداشتگاه‌ها مرتباً آن را تکرار کرده‌اند. در همین راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌دارد: «ما زیر نظر سازمان زندان‌ها هستیم؛ اما امکانات به ما نمی‌دهند، فقط بازدید می‌کنند و معایب و نواقص را در دفاتر یادداشت کرده و اعتنایی به درخواست‌های ما در رابطه با اختصاص امکانات نمی‌کنند. هیچ کمکی از سازمان زندان‌ها برای کارکنان یگان اعزام و عودت که بیشترین بدرقه زندانیان را در سطح استان و خارج از استان انجام می‌دهند صورت نمی‌گیرد (مصاحبه‌شونده شماره ۲)».

وی در پاسخ به سؤالی که مربوط به پوشش و لباس متهمان بازداشتی بود بیان می‌دارد: «تعداد لباس متهمین به اندازه کافی نیست که آن‌هم باید شست‌وشو شده و مجدداً مورد استفاده قرار گیرد. بعضی از مواقع معاونت آماد و پشتیبانی لباس متهمان را شستشو می‌کند و بعضی از مواقع هم خود متهمین لباس‌های خود را تمیز می‌کنند (مصاحبه‌شونده شماره ۶)».

یکی از رؤسای پلیس‌های تخصصی در این‌باره معتقد است: «به‌هر حال در خصوص ضعف‌های ساختاری و امکانات همه واقف هستند؛ اما به‌نظر من قوه قضاییه به‌عنوان متولی پاسداری از حقوق شهروندی و دستگاه عدالت باید در این زمینه کارهای بیشتری انجام دهد (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰)».

برابر بند ۹/۴ دستورالعمل رعایت حقوق شهروندی متهمین، معاونت حقوقی فراجا می‌بایست اعتبار مورد نیاز برای تأمین جیره غذایی و البسه و ملزومات متهمین نگهداری‌شده در بازداشتگاه‌های فراجا و همچنین هزینه بدرقه متهمین و مأمورین بدرقه‌کننده را از قوه قضاییه پیگیری و دریافت نماید. در همین راستا رئیس پلیس پیشگیری اعلام داشت که: «هر ساله

مبلغی برای هزینه بدرقه متهمین اختصاص داده می‌شود که با توجه به خودروهای حمل متهم واگذار شده به شهرستان‌ها، به یگان‌هایی که خودروی حمل متهم ندارند ابلاغ شد. با آژانس‌های مورد اعتماد شهرستان قرارداد منعقد گردید تا با سرویس‌های آژانس، متهمین منتقل و با ارائه رسید آژانس از طریق امور مالی صرفاً هزینه جابه‌جایی پرداخت گردد که این هم قطعاً مشکلات خاص خود را به همراه خواهد داشت.»

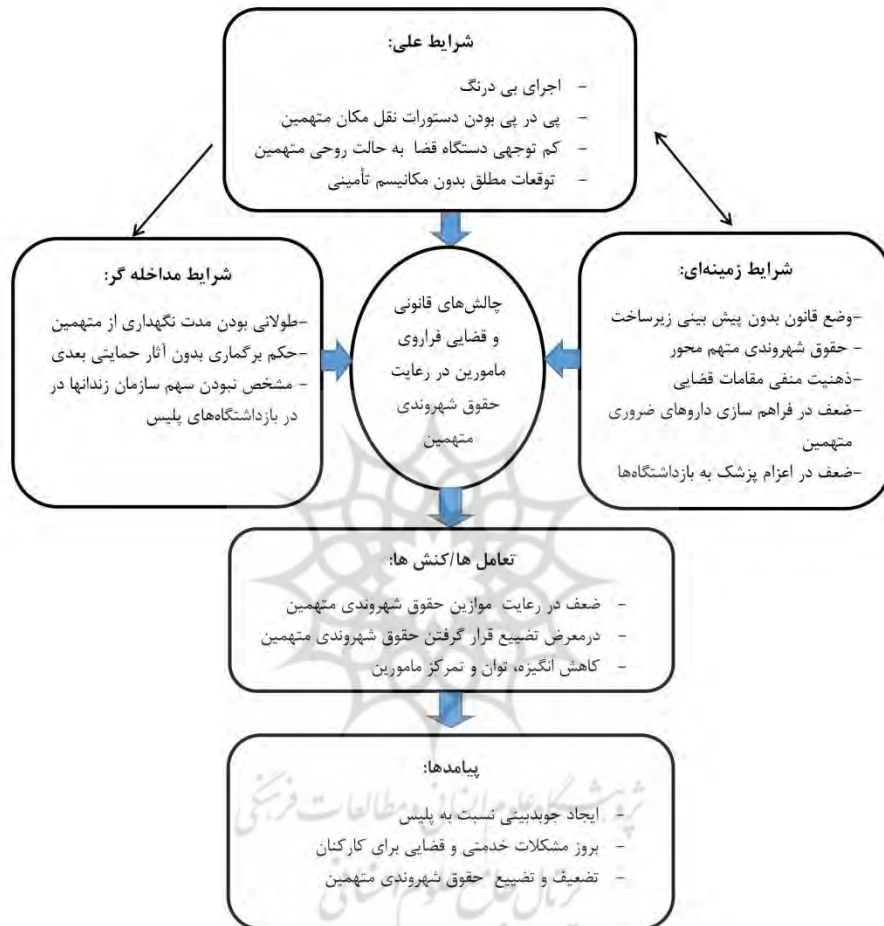
با توجه به یافته‌های به دست آمده، مقوله هسته (کد‌گزینشی یا انتخابی) این پژوهش تعیین شده است. مقوله «بروز چالش‌های قانونی و قضایی فراروی مأمورین در رعایت حقوق شهروندی متهمین» تمامی مقوله‌های دیگر پژوهش را دربر می‌گیرد. علت تعیین این مقوله به این دلیل است که در کل روند مصاحبه، دغدغه‌های رعایت حقوق شهروندی متهمین شرکت‌کننده در پژوهش بسیار مشهود بود و به نظر می‌رسید این افراد با توجه به دغدغه‌هایی که در زمینه رعایت حقوق شهروندی متهمین دارند، به سؤالات مصاحبه پاسخ می‌دهند، به طوری که پاسخ‌های آنها نیز بیشتر حول مسائل حقوق شهروندی متهمین بود.

پارادایم نهایی

داده‌های خام مصاحبه در این پژوهش، پس از کدبندی و دسته‌بندی در قالب مفاهیم، کدهای باز و کدهای محوری به استخراج یک کد انتخابی و پدیده اصلی پژوهش منتهی شد. بر اساس روش اشتراوس و کوربین (۲۰۰۸)، در فرایند شکل‌گیری نظریه زمینه‌ای، پس از تعیین کد انتخابی یا مقوله هسته، سایر مقولات حول مقوله هسته در قالب یک مدل پارادایمی ترسیم می‌شود. این مدل پارادایمی در واقع سه بعد اصلی دارد که شامل شرایط، تعاملات و فرایندها و پیامدهای می‌باشد. بعد شرایط نیز می‌تواند در قالب سه وجه شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر به نمایش درآید:

- ۱- شرایط علی: این شرایط باعث ایجاد و شکل‌گیری پدیده یا طبقه هسته‌ای می‌شوند.
- ۲- شرایط زمینه‌ای: سلسله شرایطی خاص است که در آن فرایندهای و تعاملات برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده هستند.
- ۳- شرایط مداخله‌گر: شرایطی کلی و وسیع هستند که بر چگونگی فرایندها و راهبردها اثر می‌گذارند. شرایط مداخله‌گر مانند بستری عمل می‌کنند که باعث تخفیف یا تشدید پدیده‌ها می‌گردند.
- ۴- فرایندها و تعاملات: بیانگر رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای، حاصل می‌شوند. استراتژی‌های ایجادشده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌ای، تحت شرایط مشاهده شده‌ای خاص هستند.
- ۵- پیامدها: نتیجه و حاصل فرایندها و تعاملات هستند (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸)

بر همین اساس و در پژوهش حاضر از طریق این مقوله هسته تمامی طبقات و مقولات نظارتی بر زیرمجموعه به یکدیگر ربط داده شد و فرایند مرکزی پژوهش به دست آمد که در قالب پارادایم نهایی به شرح زیر ترسیم گردیده است:



بحث و نتیجه‌گیری

پلیس به‌عنوان بازیگر اصلی در ایجاد نظم و امنیت در حرکت بر لبه قانون همواره با مسائل زیادی مواجه است. یک دسته از این مسائل، چالش‌های حقوق شهروندی متهمین است؛ به نحوی که دقت، سرعت عمل، قاطعیت و جدیت پلیس در مراحل تعقیب، دستگیری، بازداشت و بدرقه، همراه با رعایت کامل موازین قانونی و حقوق شهروندی متهمین، و اجرای قانون به‌دور از افراط و تفریط به یکی از مسائل غامض پلیس تبدیل شده است. تناسب قانون با ظرفیت‌ها و توانمندی‌های واقعی پلیس در صحنه عمل، موضوعی است که باید به‌طور جدی و عمیق مورد

توجه قرار گرفته و به صورت علمی بررسی شود. یک دسته از این چالش‌ها، از نوع قضایی هستند. برداشت‌ها و درک صحیح مقام قضایی از دشواری‌های اجرای قانون در عمل و ظرفیت‌ها و توانمندی پلیس، می‌تواند برای حل بسیاری از موضوعات راهگشا باشد. بی‌تردید صرف وضع قانون، بدون ایجاد زیرساخت و مقدمات اجرا، تضمین‌کننده حقوق متهمین نبوده و موجب بروز مشکلات قضایی برای ضابطین، تضییع حقوق متهمین و ایجاد جو بدبینی به فراجا می‌گردد. علی‌رغم اهمیت موضوع مذکور، تاکنون مطالعه کیفی در این زمینه در فراجا انجام نشده است.

در یک تحلیل کلی، بخش عمده‌ای از رعایت حقوق شهروندی متهمین در آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، خلاصه می‌شود که در قسمت ضابطین و اقدامات آنها تغییرات شگرفی داشته و به سمت و سوی رعایت حقوق متهم پیش رفته است؛ حتی در مواردی تحت تأثیر آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی، حقوقی را برای بزه‌دیده در نظر گرفته که تا پیش از این در قوانین اثری از آنها دیده نمی‌شد؛ اما آنجا که این قانون، همچون دیگر قوانین ساخته و پرداخته ذهن بشر است، پس بدون شک خالی از خطا نیست و با وجود تمام پیشرفت‌های بیان‌شده، باز هم نقایصی دیده می‌شود. از طرفی نقش عوامل بیرونی به‌ویژه مسائل مربوط به رسیدگی‌های قضایی، بیشترین تأثیر را داشته و امکان تأثیرگذاری مستقیم بر این عامل از سوی فراجا وجود ندارد؛ چرا که دستگاه قضایی یک دستگاه مستقل بوده و به‌جز ارتقای سطح تعاملات و طرح موضوعات در جلسات و کمیته‌های مشترک، راهکار دیگری در این باره قابل تصور نیست و ادامه این روند، تبعات منفی را برای جامعه، مردم و از همه مهم‌تر پلیس دربر خواهد داشت که نتیجه آن نارضایتی عمومی و سست‌شدن پایه‌های نظام تقنینی و قضایی کشور و بالتبع نقض گسترده حقوق شهروندان است و اعتبار نظام اسلامی را با چالش مواجه خواهد ساخت. این یافته‌ها با نتایج پژوهش استون، آر (۲۰۰۶) که نشان داد برای رعایت حقوق متهم تضمین‌هایی پیش‌بینی شده که این تضمین‌ها در مراحل مختلف دادرسی و تحقیقات باید مورد توجه پلیس قرار گیرد، با این حال همواره چالش‌ها و مشکلاتی در این زمینه متصور است و نتایج پژوهش چگینی و همکاران (۱۳۹۹) که در تحقیقات خود، کیفیت تعدیل و تحدید اختیارات پلیس به‌وسیله حقوق شهروندی را به نمایش می‌گذارند و همچنین با نتایج پژوهش شهریار و همکاران (۱۳۹۶) که نشان دادند مسئله اساسی این است که دستگاه‌های مختلف به حقوق شهروندی بی‌اعتنایی می‌کنند و در پاره‌ای از موارد نیز این حقوق به شکل‌های مختلف نقض می‌شوند؛ هم‌سو است.

پیشنهادها

- پیش‌بینی آیین‌نامه‌ای جهت برآورد زمان و نحوه محاسبه هزینه تماس متهم با خانواده، نحوه نظارت بر آن و عدم افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده یگان انتظامی و همچنین پیش‌بینی دستورالعملی در راستای برقراری ارتباط تلفنی متهم با خانواده یا آگاهی دادن به آنها.

- اعلام ایرادها، چالش‌ها و اشکالات مرتبط با اجرای ماده ۳۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ پس از استعمال از یگان‌ها به معاونت حقوقی فراجا (ماده ۳۴- دستورهای مقام قضایی به ضابطان دادگستری به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می‌شود. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات معموله در صورت‌مجلس، در اسرع وقت و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت آن را به امضای مقام قضایی برساند).

- ارائه آموزش‌های لازم به یگان‌ها مبنی بر تحقیق از زنان در صورت نبود بازجوی زن، توسط رئیس و یا فرمانده، و یا با حضور دو نفر از کارکنان و یا یکی از بستگان شخص خانم و تنظیم صورت‌مجلس (ذکر عبارت موازین شرعی در ماده ۴۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲).

- ارائه آموزش‌های لازم به یگان‌ها مبنی بر حضور وکیل آن‌هم صرفاً با معرفی‌نامه و پس از اخذ دستور مقام قضایی و موارد ضرورت در درخواست عدم ملاقات وکیل با متهم و عدم دخالت و دسترسی به اوراق پرونده به مقام قضایی از سوی مأمورین (حضور وکیل نزد متهم در تحت نظرگاه کلانتری برابر ماده ۴۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲).

- پیشنهاد حذف کلمه یک‌ساعت از مفاد ماده ۴۹ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و به‌کاربردن عبارت حداکثر ظرف ۲۴ ساعت در این ماده قانونی به معاونت حقوقی فراجا برای تهیه لایحه و ارائه به مجلس شورای اسلامی (ماده ۴۹ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ یگان‌ها را مکلف نموده حداکثر ظرف یک‌ساعت از زمان تحت نظر قرارگرفتن متهمین، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرارگرفتن را به دادسرا اعلام نماید).

- اعلام ایرادات و نواقص و همچنین نیاز به بازنگری اساسی دستورالعمل رعایت حقوق شهروندی به شماره ۱۶/۷/۴/۴۰۹/۶/۱۸۹ به تاریخ ۸۹/۰۳/۲۴ صادره از فراجا به پلیس پیشگیری فراجا - انعقاد تفاهم‌نامه با سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مبنی بر اعزام روان‌شناس به بازداشتگاه‌های فراجا.

- پیش‌بینی آیین‌نامه‌ای درخصوص نحوه و کیفیت دستگیری زنان در صورت عدم وجود ضابطان زن.

قدردانی و سپاس‌گزاری

بدین وسیله از کلیه همکاران ارجمند و اساتید و صاحب‌نظران گرامی که ما را در تهیه این تحقیق یاری‌رسان بودند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

اژدری و همکاران. (۱۳۹۸). بایدها و نبایدهای رفتار پلیس در حفظ و ارتقای حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه آفاق علوم انسانی، شماره بیست و هفتم، تیرماه ۱۳۹۸ لینک: magiran.com/p2010185

اسماعیلی، محسن؛ احمدوند، علی محمد؛ وروایی، اکبر؛ مرشدی، مسعود. (۱۳۹۸). چالش‌های رعایت حقوق شهروندی در تفتیش و بازرسی اماکن، پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، سال هفتم، شماره ۲۸. لینک:

<https://www.sid.ir/fileservers/jf/4025313982805>

اخوان، محمد؛ امینی‌فر، مجید. (۱۳۹۲). چالش‌های حقوق شهروندی در ایران از نگاه پلیس، فصلنامه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، سال هشتم، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۲ صص ۱۰۱-۱۰۲ لینک:

magiran.com/p1534801

آخوندی، محمود. (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری، ج چهارم، چاپ دوم، انتشارات مجد. بیگی جمال و همکاران. (۱۳۹۹). بررسی عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر رعایت حقوق شهروندی متهمان، فصلنامه علمی نظارت و بازرسی فراجا، سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم، پاییز ۱۳۹۹ قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper-575463>

چگینی، مهدی؛ سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید؛ بهرام‌پوری، رسول. (۱۳۹۹). تلاقی اختیارات پلیس و حقوق شهروندی در تحقیقات مقدماتی، پژوهش‌نامه حقوق بشری، سال ۶، شماره ۱. لینک:

magiran.com/p2147916

دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، ۲، صص ۶۹-۹۷ لینک:

magiran.com/p625465

رجبی، ابراهیم. (۱۳۸۸). پلیس و حقوق شهروندی، تهران، نشر علوم پلیسی. شیان، ملیحه؛ داودوندی، طاهره. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۵، صص ۳۵-۵۹ لینک:

magiran.com/p884354

عمید، حسن. (۱۳۸۹) فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول. تهران، انتشارات راه رشد. فالکس، کیث. (۱۳۸۱) شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۸۱.

فلیک، یو. (۱۳۹۸). درآمدی بر پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی، ترجمه عبدالرسول جمشیدیان، قم: سماقلم.

مطهرپور و همکاران. (۱۴۰۰). بررسی میزان رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان، فصلنامه علمی نظارت و بازرسی فراجا، سال پانزدهم، شماره پنجاه‌وششم، تابستان ۱۴۰۰ قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/Journal/JournalListPaper-155690>

ملکی و همکاران. (۱۳۹۱). نقش حقوق شهروندی بر عملکرد پلیس در کشف جرایم (مطالعه موردی فرماندهی انتظامی استان قم)، نشریه پژوهش‌های دانش انتظامی، شماره ۵۷ از ص ۴۱ تا ۶۴، زمستان ۱۳۹۱ قابل بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1087286>

Bonner,Michelle.(2020) Reclaiming citizenship from police violence, Citizenship Studies, Published online: 29 Mar 2021

Goulding, C (2002).Grounded Theory: A Practical Guide for Management, Business & Market Researchers, London: Sage Publications.

Habermas, J (1994) Citizenship and National Identity: Some Reflections on the Future of Europe.in B.S Turner a and P.Hamilton(eds.) (1994) Citizenship: Critical Concept, London: Routledge, Vol.2, Section.6, Chap.45.

Heater, Derek .(1990).Citizenship: The Civic Ideal in World History , Politics and Education.LONDON: LONGMAN .

Neyroud,Peter W.(2017) Balancing public safety and individual rights in street policing, Proceedings of the National Academy of Sciences 114(35) :201712541

Patton,M.(2001) Qualitative Research & Evaluation Methods, London: SagePublication.Steckler A, McLeroy KR, Goodman RM, Bird

Stone,R.(2006) Textbook on civil liberties and human rights, Oxford University Press.

Turner, B.& Ridden,J.(2001).Balancing Universalism and Diversity.In: Bron, A., Schemmann, m.(EDS).CIVIL SOCHETY,CITIZENSHIP AND LERRNING .HAMBURG , MUNSTER , pp .29 – 59.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی